





دانشگاه کردستان

دانشکده علوم انسانی و اجتماعی

گروه فقه و حقوق امام شافعی

عنوان:

نکاح فاسد و احکام و آثار مترتب بر آن در مذاهب اربعه اهل سنت

پژوهشگر:

توفیق فلاحی

استاد راهنما:

دکتر سالم افسری

استاد مشاور:

دکتر فرزاد پارسا

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته الهیات و معارف اسلامی، گرایش فقه شافعی

کلیه حقوق مادی و معنوی مترتب بر نتایج مطالعات،

ابتکارات و نوآوری های ناشی از تحقیق موضوع

این پایان نامه (رساله) متعلق به دانشگاه کردستان است.

تعهد نامه

اینجانب توفیق فلاحی دانشجوی کارشناسی ارشد رشته الهیات و معارف اسلامی گرایش فقه و حقوق شافعی دانشگاه کردستان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی گروه فقه و حقوق شافعی تعهد می نمایم که محتوای این پایان نامه نتیجه تلاش و تحقیقات خود بوده و از جایی کپی برداری نشده و به پایان رسانیدن آن نتیجه تلاش و مطالعات مستمر اینجانب و راهنمایی و مشاوره اساتید بوده است.

با تقدیم احترام

توفیق فلاحی





دانشگاه کردستان

دانشکده علوم انسانی و اجتماعی

گروه فقه و حقوق امام شافعی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته الهیات و معارف اسلامی، گرایش فقه شافعی

عنوان:

نکاح فاسد و احکام و آثار مترتب بر آن در مذاهب اربعه اهل سنت

پژوهشگر:

توفیق فلاحی

در تاریخ / / 1392 توسط کمیته تخصصی و هیأت داوران زید مورد بررسی قرار گرفت و
با نمره و به تصویب رسید.

<u>امضاء</u>	<u>مرتبه علمی</u>	<u>نام و نام خانوادگی</u>	<u>هیات داوران</u>
	استاد یار	دکتر سالم افسری	استاد راهنما
	استاد یار	دکتر فرزاد پارسا	استاد مشاور
	استاد یار	دکتر رئوف رهنمون	استاد داور خارجی
	استاد یار	دکتر نوید نقشبندی	استاد داور داخلی
مهر و امضاء معاون آموزشی و تحصیلات تکمیلی دانشکده			مهر و امضاء گروه

چکیده

دین اسلام نکاح را در راستای تحقق اهدافی کوچک و بزرگ مشروعیت بخشیده و در کنار این مشروعیت، قوانینی هم برای صحیح واقع شدن آن مقرر نموده است. نکاح پیوند دو انسان با جنسیت متفاوت است و این پیوند آثاری به دنبال دارد که با عنوان حقوق مشترک و حقوق مختص به زن و مرد شناخته می شوند. اگر نکاح در آنچه که شرع برای آن قرار داده است تفاوتی داشته باشد یعنی در ارکان و شرایط خود دارای اختلال باشد فاسد نامیده می شود. آنچه در نکاح فاسد موجب می شود که حکم و آثار داشته باشد، آمیزش است. چون که نکاح فاسد قبل از آمیزش به اتفاق فقههای مذاهب اربعه حکمی نخواهد داشت. نکاح فاسد به دو نوع فاسد و باطل تقسیم می شود و معیار این تفکیک هم در این پژوهش مهر و حد زنا می باشد. به این صورت که اگر نکاح فاسدی بعد از دخول مستوجب مهر باشد، فاسد نامیده شده و به تبع همین واجب شدن مهر برای زن، آثار دیگری هم بر آن مترتب می شود. نکاح فاسد بعد از دخول اگر مهر نداشته باشد مستوجب حد بوده و حد زنا تنها اثری است که به دنبال دارد و این نکاح فاسد در این پژوهش باطل نامیده شده است. نکاح فاسد در مذاهب اربعه اهل سنت وجود دارد و مستوجب مهر است اما در مورد نکاح باطل احناف به جز ابو یوسف و محمد در این باره با جمهور اتفاق نداشته و نکاح باطلی در مذهب با توجه به تعریف ما ندارند. نکاح باطل در سه مذهب مالکیه، شافعیه و حنابله زمانی که شبهه ای در آن نباشد و آمیزش در آن هم با علم به حرمت باشد مستوجب حد است.

کلید واژه ها: نکاح، باطل، فاسد، حد، مهر

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
مقدمه.....	الف
الف: بیان مسأله.....	ب
ب: پیشینه تحقیق.....	ب
ج: سؤالات تحقیق.....	ث
د: اهداف تحقیق.....	ج
ه: ضرورت انجام تحقیق.....	ج
و: روش انجام تحقیق.....	ج
ز: ساختار تحقیق.....	ج
فصل اول: کلیات.....	1
ا- 1- صحیح.....	2
2-1- غیر صحیح.....	2
1- 2- 1- فاسد.....	3
1- 2- 2- باطل.....	4
1- 2- 3- فاسد و باطل در عبادات.....	5
1- 2- 4- فاسد و باطل در معاملات.....	5
1- 3- 3- عقد.....	6
1- 3- 1- انواع عقد.....	7
1- 4- 1- نکاح.....	8

- 1-4-1-1 معنای حقیقی و مجازی نکاح.....8
- 1-4-2-1 دلایل مشروعیت نکاح.....9
- 1-4-3-1 خصوصیات عقد نکاح.....10
- 1-5-1-5 انواع نکاح از نظر صحت بر اساس فقه مالکیه.....11
- 1-5-1-1 حکم نکاح صحیح.....12
- 1-5-2-1 آثار نکاح صحیح.....13
- 1-6-1-6 نکاح فاسد.....14
- 1-6-1-1 تفاوت تعریف اصولیون و فقها در مورد فاسد و باطل در نکاح.....16
- 1-6-2-1 محوریت آمیزش در نکاح فاسد.....17
- 1-6-3-1 فاسد و باطل و تفاوت آن در نکاح.....18
- 1-6-4-1 حد زنا و مهر معیار تفکیک نکاحهای فاسد به باطل و فاسد.....18
- 20..... فصل دوم: اسباب فساد نکاح.....
- 1-2-1-1 مورد اول: خلل در ارکان و شروط آن.....21
- 1-1-2-1 رکن اول : صیغه.....21
- 2-1-2-2 الفاظ صیغه در مذهب احناف.....21
- 3-1-2-3 الفاظ صیغه در مذهب مالکی.....22
- 4-1-2-4 الفاظ صیغه در دو مذهب شافعیه و حنابله.....23
- 5-1-2-5 گفتن قبلت به تنهای.....23
- 6-1-2-6 تقدیم و تأخیر در ایجاب و قبول.....23
- 7-1-2-7 معلق بودن صیغه.....24

24	8-1-2- نکاح موقوف
25	9-1-2- توقیت صیغه
27	10-1-2- نکاح به نیت طلاق
28	2-2- رکن دوم: ولی زوجه و شروط ایشان
28	1-2-2- آراء مذاهب در خصوص بودن ولی در نکاح
32	2-2-2- خلل در شروطی ولی
32	1-2-2-2- اسلام
32	2-2-2-2- عقل و بلوغ
33	3-2-2-2- ذکوریت
33	4-2-2-2- حریت
33	5-2-2-2- عدالت
34	6-2-2-2- رشد
34	7-2-2-2- تعصیب
35	8-2-2-2- محرم به حج یا عمره
35	2-3- رکن سوم: محل
36	1-3-2- الف: زوج
36	1-1-3-2- شروط زوج: اسلام
36	2-1-3-2- عقل
37	3-1-3-2- بلوغ
37	4-1-3-2- معین بودن

- 37.....2_1_3_2_5_ آزاد بودن.....
- 37.....2_1_3_2_6_ سالم بودن.....
- 38.....2_1_3_2_7_ رشد.....
- 39.....2_3_2_ ب: زوجه.....
- 40.....2_1_2_3_2_ الف - محرمات نکاح،.....
- 40.....2_1_1_2_3_2_ محارم ابدی الف: محارم نسبی.....
- 41.....2_1_2_3_2_ ب: محارم سببی.....
- 44.....2_2_3_2_ ب: محارم مؤقت.....
- 44.....2_2_2_3_2_1_ مورد اول: حرمت جمع نکاح زنان با هم.....
- 46.....2_2_2_3_2_2_ مورد دوم: زن در عده.....
- 47.....2_2_2_3_2_3_ مورد سوم: زن سه طلاقه داده شده.....
- 48.....2_2_2_3_2_4_ مورد چهارم: زن کافر.....
- 49.....2_2_2_3_2_5_ مورد پنجم: زن شوهر دار.....
- 49.....2_2_2_3_2_6_ زن مجرم به حج یا عمره.....
- 50.....2_4_4_ رکن چهارم: شهادت.....
- 50.....2_1_4_2_ اراء مذاهب در خصوص وجود شاهد در نکاح.....
- 51.....2_4_2_ شروط شاهدان.....
- 53.....2_5_2_ مورد دوم: خلل در شرایط و اوصاف نکاح.....
- 53.....2_1_5_2_ الف: کفائت.....
- 54.....2_1_1_5_2_ کفائت در نزد احناف و موارد معتبر آن.....
- 55.....2_1_5_2_2_ کفائت در مذهب مالکيه و موارد معتبر آن.....
- 56.....2_1_5_2_3_ کفائت در مذهب شافعيه و امور معتبر آن.....
- 57.....2_1_5_2_4_ کفائت نزد فقهای حنبلي و امور معتبر آن.....
- 58.....2_5_2_ ب: مهر.....
- 59.....2_2_5_2_1_ رکن یا شرط بودن مهر.....
- 59.....2_2_5_2_2_ فساد مهر.....
- 60.....2_2_5_2_3_ نکاح شغار و آراء مذاهب در مورد آن.....
- 62.....2_3_5_2_ ج: رضایت زوجین.....

64.....	2_5_3_1- ولایت اجبار در مذاهب.....
64.....	2_6- مورد سوم: شروط ضمن عقد.....
65.....	2_6_1- شروط باطل ضمن عقد نزد احناف.....
65.....	2_6_2- شروط باطل ضمن عقد نزد مالکیه.....
66.....	2_6_3- شروط باطل ضمن عقد نزد شافعیه.....
66.....	2_6_4- شروط باطل ضمن عقد نزد حنابله.....
67.....	2_7- نکاح محلل و اراء مذاهب در مورد آن.....
69.....	2_8- زواج مسیار و تطبیق آن بر اساس شروط ضمن عقد در مذاهب.....
73.....	فصل سوم: حکم نکاح فاسد و آثار آن
74.....	3_1_1- حکم نکاح فاسد در مذهب احناف.....
75.....	3_1_2- حکم نکاح فاسد در مذهب مالکیه.....
76.....	3_1_3- حکم نکاح فاسد در مذهب شافعیه.....
77.....	3_1_4- حکم نکاح فاسد در مذهب حنابله.....
78.....	3_2- ب: آثار نکاح فاسد.....
78.....	3_2_1- الف: آثار نکاح فاسد بعد از فسخ و قبل از دخول.....
79.....	3_2_2- ب: آثار نکاح فاسد بعد از فسخ و دخول.....
79.....	3_2_2_1- مورد اول: آثار نکاح باطل بعد از دخول.....
80.....	3_2_2_2- مورد دوم: آثار نکاح فاسد بعد از دخول و دلایل این ترتب آثار.....
83.....	3_2_2_3- مهر.....
83.....	3_2_2_4- عده.....
84.....	3_2_2_5- نسب.....
84.....	3_2_2_6- نفقه.....
85.....	3_2_2_7- ارث.....
85.....	3_2_2_8- طلاق.....
86.....	3_2_2_9- حرمت مصاهرت.....
86.....	3_2_2_10- احسان.....
86.....	3_2_2_11- لعان.....
88.....	فصل چهارم: جمع بندی نتیجه گیری
89.....	4_1- جمع بندی.....
89.....	4_2- امور قابل تأمل در نکاحهای فاسد.....
92.....	4_3- نتیجه بحث.....
94.....	منابع

مقدمه

حمد و ستایش فقط مخصوص پروردگار عالم می‌باشد، کسی که همتا و شریکی ندارد و برای مخلوقاتش بهترین پناه از شر ظالم و شیطان است. درود و صلوات خداوند بر پیامبرش محمد مصطفی صلی الله علیه و سلم و اصحاب و یارانش.

نکاح به عنوان یک امر مهم موجب حفظ فرد به عنوان اصلی ترین پایه اجتماع، از افتادن در فساد و تباهی می‌شود. ازدواج زن و مرد با هم، با ایجاد کوچکترین نظام مشارکتی همراه است که شرع و عقل آن را بسیار پسندیده می‌دانند. بنابراین باید بر اساس قوانینی به انجام برسد که شرع و عقل برای آن قرار داده‌اند. عدم آگاهی افراد جامعه اسلامی به قوانین شرعی در پاره‌ای از اوقات موجب سوء استفاده برخی عالم نماهای دینی می‌شود که کیان زندگی اجتماعی زیر سؤال می‌رود. مهم‌تر اینکه بسیاری به اسلام بدبین می‌شوند و جای دارد که به این امور مهم بیش از پیش رسیدگی شود. نکاح‌های فاسد در جامعه وجود دارند و انکار این امر هم امکان پذیر نیست برای همین باید بررسی شوند و عوامل اسباب آن هم شناخته شود.

الف - بیان مسأله:

نکاح در فقه اسلامی یکی از مقاصد اصلی شریعت است که به منظور حفظ نسل بشر وضع شده و زمانی صحیح به شمار می‌آید که ارکان و شروط شرعی را دارا باشد و بنابراین در صورتی که یکی از ارکان خود را نداشته باشد فاسد است و کلمه فاسد در برگزیده همه نکاحهای فاسد و باطل می‌شود. اما فقهاء علل و اسباب فساد و بطلان نکاح را به طور دقیق تبیین نکرده و بیشتر به طرح شاهد فقهی برای فساد و بطلان پرداخته‌اند. دیگر اینکه در هنگام تبیین فساد و بطلان، آثار و پیامدهای آن دو در فقه مذاهب اسلامی از این جهت که یکسان است یا با هم متفاوت است روشن نشده که این خود به ابهام در ماهیت فساد و بطلان در مبحث نکاح و آثار و پیامدهای آن افزوده است. این سؤال مطرح می‌شود که نکاح فاسد کدام است و نکاح به وسیله چه عوامل و اسبابی فاسد می‌گردد که در این پژوهش سعی بر این است به اشکالات مطرح شده پاسخ و پیامدهای آن در مذاهب اربعه به صورت شفاف تبیین شود.

ب - پیشینه تحقیق:

به صورت کلی کارهای انجام شده حول موضوع را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

1 - کتابهایی که اصل موضوع آنها نکاح می‌باشد و می‌توان به موارد زیر به عنوان نمونه اشاره کرد:

الف - «النکاح الفاسد و احکامه، تألیف عبد الرحمن شمیله الأهدل». این کتاب به بر شمردن نکاحهای فاسد پرداخته است و بیشتر به بحث در مورد نکاحهایی می‌پردازد که در مورد تحریم آنها نص وجود دارد و یا اینکه به بیان نظرات شاذی مبنی بر حلال بودن بعضی نکاحهای فاسد می‌پردازد که در مورد حرمت این نکاحها اجماع وجود دارد (نکاح متعه¹، نکاح بیش از چهار زن²). بررسی نکاح برده هم که در این کتاب وجود دارد در جهان امروزی مصداق ندارد. این که نکاح فاسد بر حسب آثاری که دارد دو نوع می‌باشد در کتاب مذکور وجود نداشته و آثار نکاح فاسد هم که یکی از موارد مورد بحث ماست که در این کتاب ذکر نشده است.

ب - «الزواج فی ظل الاسلام، تألیف عبدالرحمن بن عبدالخالق یوسف». در این کتاب پس از بیان مقدمات نکاح، هفت شرط برای نکاح در نظر گرفته شده که اولین آن رضایت زوجین است. این شرط بیشتر برای این

¹ «لَا تَنْبِيءُ مَا لَيْسَ لِلَّهِ عَلَيْهِ سَلْمٌ نَهَى وَالْمَنْتُ عَوِيَّةٌ عَالِحٌ وَمَالِحٌ مَا أَلْهَدُ لِي وَتَةَ مَجَنِبٌ بِ رَ». بخاری، صحیح بخاری، کتاب النکاح، باب نهی رسول الله صلی

الله علیه وسلم عن نکاح المتعه، ج7، ص12، حدیث شماره 5115.

² کاشانی، بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع، ج2، ص256؛ ابن عبد البر، الکافی فی فقه اهل المدینه، ج2، ص538؛ قاضی زکریا، فتح الوهاب بشرح منهج الطلاب، ج2، ص52؛ فوزان، الملخص الفقهي، ج2، ص342.

مطرح شده است که اجبار ولی در نکاح زیر سؤال برود و بیان می‌شود که ازدواج بدون رضایت زوجین جایز نیست. شرط دوم و سوم در این کتاب ولی زوجه و شاهدان می‌باشند که بدون حضور آنها نکاح فاسد است و نویسنده پس از بیان چهار شرط دیگر (احسان، کفالت، مهر و صیغه) به صورت مختصر به موانع صحت نکاح و نکاحهای منہی عنہ می‌پردازد.

ج - « الزواج بنیه الطلاق من خلال ادله الكتاب و السنه و مقاصد الشریعه، تألیف صالح بن عبدالعزیز آل منصور». در این کتاب نویسنده بعد از مقدمه و بیان مقاصد شرعی نکاح به بیان سه نکاح متعه، محلل و شغار با دلایل تحریمشان می‌پردازد. سپس به اصل موضوع کتاب یعنی ازدواج با نیت طلاق پرداخته و دو دیدگاهی را که یکی قائل به تحریم این نکاح است و دیگری آن را جایز می‌داند بررسی می‌کند. در آخر نیز به بیان دیدگاه خود مبنی بر حرام بودن این نکاح پرداخته و می‌گوید که جدایی زن و شوهر در این نکاح واجب است.

2 - کتابهایی فقهی موجود که یک بخش از آنها مربوط به نکاح می‌باشد، در این کتابها در اثنای مباحث به صورت اشاره‌ای بیان می‌شود که نکاح مورد بحث صحیح، فاسد و یا باطل است. مانند:

الف - اگر مرد و زنی به صورت توافقی تصمیم گرفتند که برای یک ماه با هم ازدواج نمایند، نکاح متعه انجام شده و این در نزد ما نکاح نیست. زفر می‌گوید که نکاح صحیح است زیرا ذکر مدت در آن شرطی فاسد است و نکاح محتمل توقیت نیست و شرط فاسد هم نکاح را باطل نمی‌کند، پس نکاح صحیح و شرط باطل است.¹

ب - نکاح زن در عده حرام است و اگر عقد نکاحی با این وصف انجام شود فسخ شده و نیازی به طلاق ندارد و اگر یکی از زوجین فوت کند دیگری از او ارث نخواهد برد. در این عقد اگر آمیزش انجام نشود بعد از فسخ نکاح، مرد می‌تواند دوباره از آن زن خواستگاری نماید و بر اساس یک عقد جدید با هم ازدواج کنند اما اگر بر اساس عقد اول که باطل است آمیزشی انجام شود، ازدواج آن مرد و زن به صورت ابدی حرام می‌شود.²

ج - اگر به قصد حلال شدن زن سه طلاقه داده شده برای شوهر قبلی که بخواهد دوباره با او ازدواج نماید عقد نکاحی انجام شود و در آن ابراز نشود که قصد اصلی چیست، نکاح فاسد نبوده اما مکروه است. اما اگر ضمن عقد شرط شود شوهری که او را تزویج کرده است پس از حلال کردن زن برای شوهر قبلی او زن را طلاق دهد، دو قول در این باره وجود دارد: 1 - نکاح باطل است. 2 - نکاح باطل نیست.³

¹ سرخسی، المبسوط، ج5، ص 153.

² ابن عبد البر، الکافی فی فقه اهل المدینه، ج2، ص531.

³ شیرازی، التنبیه فی الفقه الشافعی، ص161.

د - ازدواج یک مرد با دو خواهر به صورت همزمان خواه هر دو آزاد باشند یا برده چه قبل از دخول و چه بعد از آن، حرام است به خاطر این قول خداوند **لَا يَجُوزُ أَنْ يَنْكِحَ الرَّجُلُ إِثْنَيْنِ** {سوره نساء، آیه 23}.

ج - سوالات تحقیق:

1 - مبنا و معیار تقسیم بندی نکاح‌های غیر صحیح به باطل و فاسد از نظر جمهور فقها کدام است؟

2- مصادیق نکاح فاسد کدامند؟

3 - انواع نکاح فاسد کدامند؟

4 - اسبابی که موجب فساد نکاح می شوند شامل چه مواردی است؟

5 - نکاح فاسد چه احکام و آثاری را به دنبال دارد؟

د - اهداف تحقیق:

- بررسی و تبیین نکاح فاسد.
- شناخت و تفکیک نکاح‌های فاسد و باطل.
- بحث در مورد عواملی که موجب فساد نکاح می‌شوند.
- بررسی نکاح‌های فاسد از حیث اسباب فساد آن.
- بررسی احکام و آثاری که نکاح‌های فاسد به دنبال خواهند داشت.

ه - ضرورت انجام تحقیق:

با توجه به اینکه نکاح یکی از امور بسیار مهم در زندگی هر فرد به شمار می آید و افراد برای بقای نسل خود و همچنین رسیدن به آرامش، به نکاح روی می‌آورند، شناخت و بررسی نکاح‌های فاسدی که می‌توانند انجام بگیرند امری بسیار ضروری است و همچنین شناخت اسباب فساد نکاح به زبان ساده ضرورتی است که در جامعه نمود پیدا کرده است. در مباحث مطرح شده در این پایان نامه می توان به ضوابط و شرایط نکاح هم آگاهی یافت و ضروری است که معیاری برای تفکیک نکاح‌های فاسد به باطل و فاسد پیدا کرد.

¹ الرحیانی، مطالب اولی النهی فی شرح غایبه المنتهی، ج 5، ص 97.

و - روش انجام تحقیق:

در این تحقیق از روش توصیفی - تحلیلی از نوع تحلیل محتوا استفاده شده است. به این شیوه که پس از گردآوری داده‌های لازم و آراء موجود در موضوع مورد بحث از کتب معتبر مذاهب چهارگانه‌ی اهل سنت، به تجزیه و تحلیل آنها پرداخته می‌شود و در برخی موارد هم رأی راجح از نظر نگارنده بیان می‌شود.

ز - ساختار تحقیق:

تحقیق انجام شده شامل مقدمه و چهار فصل است. فصل اول شامل دو بخش است، بخش اول کلیات و بررسی ماهیت نکاح و بررسی حکم و آثار آن است. در بخش دوم نکاح فاسد مورد بررسی قرار گرفته و یک معیار اصلی برای تفکیک نکاح‌های فاسد، به باطل و فاسد در این فصل گنجانده شده است. فصل دوم اسباب و عوامل فساد نکاح، مورد بررسی قرار گرفته که شامل سه بخش است؛ بخش اول: به بحث در مورد ارکان نکاح و خلل در این ارکان و شرایط آنها که موجب فساد نکاح می‌شود می‌پردازد. بخش دوم: به شرایط و اوصاف نکاح مربوط می‌شود که اگر نباشند موجب افساد نکاح می‌شود. در بخش سوم به شروطی پرداخته شده که اگر ضمن عقد مطرح شوند می‌توانند موجبات فساد نکاح را فراهم سازند. فصل سوم، احکام و آثار نکاح فاسد است که به دو بخش تقسیم می‌شود. بخش اول حکم نکاح‌های فاسد مورد بررسی قرار گرفته است. بخش دوم از فصل سوم شامل آثاری است که بر نکاح فاسد مترتب می‌شوند. فصل چهارم پایان نامه هم در دو مبحث به صورت خلاصه و کوتاه شامل جمع‌بندی مطالب مورد بحث و نتیجه‌گیری است.

فصل اول: کلیات

نکاح، مسائل مربوط به آن و قوانینی که شرع برای به انجام رسیدن این مهم قرار داده است برای هر مسلمانی محترم است. نه تنها نکاح، بلکه امور بسیار ساده‌ی زندگی هر مسلمانی باید بر اساس قوانینی باشد که شریعت اسلام آن را وضع کرده است. عدم توجه یا عدم آگاهی به این قوانین وضع شده، موجب می‌شود که نکاح، فاسد شود. نکاح فاسد در جامعه‌ای که بیشتر آن را عوام تشکیل داده اند قابل انجام بوده و شناخت انواع نکاح فاسد نیازمند توجه به مفاهیمی کلی است، که در این فصل مورد بررسی قرار می‌گیرند و در آخر این فصل هم یک معیار برای تفکیک انواع نکاح‌های غیر صحیح به دو نوع فاسد و باطل بر اساس آثاری که خواهند داشت، قرار خواهیم داد.

1-1- صحیح:

در لغت یعنی صحت و در مقابل سقم و بیماری قرار دارد.^۱ صحیح در شرع هم در همان معنای لغوی استعمال شده است: **إِنْ يَسَّ أَنْفُ ضُغَّةٍ إِذَا حَتَّ صَحَّ أَجْرُهُ مَدَّ وَ، إِذَا فَدَّ تَفَسَّ سَدَائِرُ جَسَدِهِ مَدَّ هِيَ» نَبِيُّ الْقَلْبِ**^۲. «در بدن انسان پاره گوشتی است که اگر سالم باشد، تمام جسم سالم است و هنگامی که فاسد شود کل بدن را فاسد می کند و آن قلب است».

معنای اصطلاحی صحیح در نزد علمای اصول

علمای اصول معتقدند صحیح چیزی است که آثار شرعی بر آن مترتب شود. که اگر در عبادات باشد تکلیف از مکلف ساقط می شود و ذمه بری خواهد شد و اگر در عقد باشد موجب نفاذ عقد است.^۳ به عنوان مثال انتقال مالکیت در بیع، اثری است که شرع برای بیع قرار داده است. پس مراد از صحت عقد، مترتب شدن آثاری است که شرع برای آن قرار داده است، مانند حلال بودن انتفاع از مبیع در بیع و استمتاع زوجین از همدیگر در نکاح.^۴

معنای صحیح در نزد فقهاء

- صحیح در نزد فقهاء اگر در مورد انسان باشد در معنی سالم است.^۵
- صحیح در معنای عقدی هم که جامع تمام ارکان و شرایط خود باشد آمده است.^۶
- صحیح در مقابل باطل هم به کار رفته است.^۷
- زمانی که کاری از مکلف سر بزند و به درستی انجام شود گفته می شود که صحیح است.^۸

1-2- غیر صحیح

در مقابل صحیح قرار دارد، در عبادات هنگامی که گفته می شود فعل صحیح نیست منظور بری نشدن ذمه و عدم اسقاط قضا است. در معاملات منظور از غیر صحیح عدم ترتب آثاری است که شرع برای عقد مورد نظر قرار داده است. غیر صحیح شامل دو کلمه فاسد و باطل می شود.

¹ شنقیطی، مذکره فی اصول الفقه، ص 53.

² معمر بن راشد، الجامع، ج 11، ص 221، حدیث شماره 20376.

³ عنزی، تیسیر علم اصول الفقه، ص 61.

⁴ زحیلی، اصول الفقه الاسلامی، ج 1، ص 109.

⁵ شیبانی، الحجه علی اهل المدینه، ج 3، ص 322؛ مالک، المدونه، ج 2، ص 284.

⁶ ازهری، الثمر الدانی شرح رساله ابن ابی زید القيروانی، ص 480.

⁷ سلیمان الجمل، فتوحات الوهاب بتوضیح شرح منهج الطلاب معروف به حاشیه الجمل، ج 3، ص 515.

⁸ ابن قدامه، المغنی، ج 10، ص 141.

فساد در لغت نقیض صلاح (قابلیت، درستی، مصلحت) است.¹ فساد در قرآن به معنای تباهی آمده است:

فَأَكْثَرُ رُفَايِهِلْفَلْسَةِ أَدَا { . (سوره فجر، آیه 12). «و در آنجاها خیلی فساد و تباهی به راه انداختند ^{ظهور}»
الْفَسَادُ فِي الْوَرَالْبِ حَرْبُ كَسَا بِتَأْيِيدِ الْجَائِلِينَ يَفْهَمُ عَضَّ الْأَذْيِ مَعْلُوقًا هُمْ جَعُونَ { .

(سوره روم، آیه 41). «همیشه چنین بوده است که تباهی و خرابی در دریا و خشکی به خاطر کارهایی پدیدار گشته است که مردمان انجام می‌داده‌اند. بدین وسیله خدا سزای برخی از کارهایی را که انسانها انجام می‌دهند بدیشان می‌چشاند تا این که آنان بیدار شوند و از دست یازیدن به معاصی برگردند».²

فساد در اصطلاح اصولی بر چیزی اطلاق می‌شود که آثار بر آن مترتب نمی‌شود خواه عبادت باشد یا عقد.³

عقد.³

معانی فاسد از نظر فقهاء:

- به معنای غیر صحیح آمده است. به طور مثال: وضوء فرض است و سبب آن هم قیام برای نماز است و بنابر این، این سخن که برای هر نماز یک وضوء لازم می‌باشد، فاسد است.⁴
- به معنای عدم صلاحیت آمده است برای مثال در فقه مالکیه هنگامی که مهری تعیین شود و صلاحیت نداشته باشد که مهر باشد می‌گویند که فاسد است یعنی اینکه صلاحیت قرار گرفتن به عنوان مهریه را ندارد.⁵
- فاسد در منای حرام هم به کار رفته است زمانی که یک نوع معامله صورت می‌گیرد اگر بر اساس شریعت اسلام نباشد گفته می‌شود که فاسد است، یعنی حرام است.⁶
- در مقابل اصل یک چیز هم به کار می‌رود برای مثال زمانی که گفته می‌شود زن در شصت سالگی یائسه می‌شود و اگر بعد از شصت سالگی خون مشاهده کند خون فاسد است یعنی خون مشاهده شده، خون حیض که اصل است، نمی‌باشد.⁷

¹ ابن منظور، لسان العرب، ج3، ص 335.

² خرم دل، تفسیر نور.

³ عثیمین، الأصول من علم الأصول، ص 14.

⁴ سرخسی، المبسوط، ج1، ص 5.

⁵ مواق، التاج و الإكليل لمختصر خليل، ج5، ص479.

⁶ ماوردي، الحاوي الكبير في فقه مذهب الامام الشافعي، ج5، ص 212.

⁷ ابن قدامه، الكافي في فقه الامام احمد، ج1، ص 139.

1- 2- 2- باطل

باطل در لغت: ضایع شده و هرگاه گفته می‌شود که خون مقتول باطل شد و از بین رفت یعنی قتلی صورت پذیرد و دیه و انتقامی در کار نباشد¹.

معنای باطل در قرآن دارای معانی زیر است:

1- بیهود: {مَخَالَفَ لِسَانَهُ بِالْأَوَّلِ رُضُوًّا يَمْنَاهُ بِمَا طَلَبَ لَكَ ظَلَمٌ يَنْ كَفَرُوا وَإِلَّا يَنْدِينِ

كُفْرًا مَوْلَى النَّارِ} . (سوره ص، آیه 27). «ما آسمان‌ها و زمین و چیزهایی را که در بین آن دو تا است بیهوده نیافریده‌ایم. این، گمان کافران و انگاره‌ی اندیشه‌ی بیمار ایشان است وای بر کافران به آتش دوزخ دچار می‌آیند».

2- در مقابل حق آمده است: قُلْ جَاءَ الْحَقُّ مِمَّنْ لَدَيْهِ طِبُّ يَدٌ} . (سوره سبأ، آیه 49).

«بگو: حق به میان آمد و باطل در پرتو نور حق، اثری از آن نماند و مرد، و لذا نه کار تازه‌ای را می‌تواند انجام دهد، و نه کار گذشته‌ای را می‌تواند از سر گیرد».

باطل در اصطلاح اصولی نیز در همان معنای اصطلاحی فاسد است. یعنی آنچه که مخالف با امر شارع است و آثار بر آن مترتب نمی‌شود. مانند طلاق شخص مکره که از نظر جمهور واقع نمی‌شود².

معنای باطل در نزد فقهاء

- در مقابل حق از آن استفاده شده است³.
- باطل به چیزی گفته می‌شود که حکم برای آن به مانند عدم است⁴.
- در مقابل صحیح به کار رفته است⁵.
- اگر یک عقد در ارکان و شرایط خود دارای اشکال باشد باطل خوانده می‌شود⁶.

¹ مجموعه‌ای از مؤلفین، المعجم الوسیط، ج 1، ص 61.

² نمله، المهدب فی علم اصول الفقه المقارن، ج 1، ص 414، عتری 1418ق، تیسیر علم اصول الفقه، ص 61.

³ عمرانی الیمنی، البیان فی مذهب الامام شافعی، ج 13، ص 62.

⁴ ابن مفلح، المبدع فی شرح المقنع، ج 8، ص 391.

⁵ خرقی، متن الخرقی علی مذهب ابی عبدالله احمد بن حنبل شیبانی، ص 99.

⁶ رحیبانی، مطالب اولی النهی فی شرح غایه المنتهی، ج 3، ص 255.